نگاه کارشناس

## بایدها و نبایدهای انتقال آب بین حوضه‌ای

محمد درویش

■ شگرد انتقال آب، مثل هر ابزار و فناوری مدرن دیگری بالذات ارزش یـا ضدارزش نمی‌تواند تلقی شـود؛ بل آنچه که در جهان امروز سـبب شده تا پیوسته بر شمار مخالفان استفاده از این توانمندی بشـری در بین فعالان و نخبگان محیط زیسـت افزوده شـود، نـوع نگاه تمامیت‌خواهانـه ما به آن اسـت. وگرنه آنجا که پای زندگی و جان انسـان‌ها در میان باشـد و آنجا که بیم تهدید ماندگاری یک فرهنگ و تمدن حس شود، باید که از هر تمهیدی از جمله انتقال آب برای حفظ انسان و آبادبومش سود جست. اما پرسش این است که آیا اغلب طرح‌های انتقـال آبی کـه در ایران به اجرا درآمده اسـت، از بیم عدم دسترسـی به آب شـرب و شیرین برای شهروندان ایرانی بوده است یا نشانه‌ای از لابی‌گری قدرت‌سـالاران و رانت‌های منطقـه‌ای در چرخش نقشه توسعه بر بنیاد مصلحت‌های بخشی و ناحیه‌ای و نه ملی؟

نگاه کنیم به سرنوشت عبرت‌آموز دیار زنده‌رود... مگر آورد طبیعی و سـالانه زاینـده‌رود را در طول چند دهه اخیر از ۸۰۰ میلیون متر مکعب به حدود دوبرابر با اسـتفاده از تونل‌هـای کوهرنگ افزایش ندادیم؟ پس چرا کماکان مهم‌ترین تالاب مرکزی کشور، گاوخونی خشک مانده و به جای گیرش گرد و خاک منطقه و افزایش ظرفیت گرمایی ویژه آن، خود به چشمه تولید گرد و خاک و نمکی جدید و هراس‌آور بدل شده و از کارمایه‌ها می‌کاهد؟

کسـی با مانـدگاری تمدن کهـن اصفهان، یا ماندگاری مردم سـختکوش یزد در سکونتگاه آبا و اجدادی‌شـان مخالفتی ندارد، اما پرسش این است که چرا باید نیاز ۶۰ درصد آجر و سـفال و کاشـی ایران بر دوش آن بخشی از سرزمین پهناورمان باشد که خود با محدودیت‌های جدی و طبیعی در حوزه استحصال آب مواجه است؟ چرا باید پرمصرف‌ترین صنایع ما مانند فولاد و آهن و لاستیک‌سـازی در اصفهان و یزد و کرمان استقرار یابند که با بیشترین اُفت سطح آب زیرزمینی در کشـور مواجه‌اند؟ آیا مهاجرپذیری این اسـتان‌ها و داشتن بالاترین نرخ اشـتغال، می‌تواند در چنین شرایطی افتخارآفرین باشد و بر پایداری سرزمین بیفزاید؟

بیاید نگاه کنیم به بلایی که در طول چند دهه اخیر بر سـر یکـی از حاصلخیزتریـن حوضه‌های آبخیـز خود، یعنـی ارومیه آوردیـم؛ چرا مدیریت حاکم بر سـرزمین در برابر راهبـرد افزایش افقی سطح اراضی کشـاورزی سکوت کرد و اجازه داد تا وسعت اراضی زراعی منطقه از ۳۲۰ هزار هکتار به ۶۸۰ هـزار هکتار افزایش یابد و در نتیجه نیاز آبی معادل ۳/۶میلیارد متر مکعب بر حوضه‌ای تحمیل شود که منبع آب جدیدی برایش تعریف نشده بود. آیا به جای این افزایش مرگ‌آور و سـکوت در برابر حفـر ۲۴ هزار حلقه چاه غیرمجـاز و احداث ده‌ها سـد مخزنی جدید، بهتر نبود به ارتقای نرم‌افزاری بخش کشاورزی و افزایش دانایی و مهارت‌های فنی کاربرانش همت کرده و ضریب ضایعات غذایی را از ۲۰ درصد به کمتـر از پنج‌درصد کاهش می‌دادیم و همزمان، راندمان آبیاری را به حد اسـتانداردهای منطقه رسـانده و از میزان خجلت بـار ۳۰ درصد نجات می‌دادیم؟

اما ما این کارها را نکردیم و زمان را سوزاندیم تا با پیدایش ۳۹۰ هزار هکتار شوره‌زار جدید، بزرگ‌ترین رخداد بیابان‌زایی قرن در شمال باختری وطن را رقم زنیم؛ جایی که باید به تدریج خود را آماده کنیم تا به جای کاربست واژه دلنشین دریاچه ارومیه از عبارت خوفناک کویر ارومیه اسـتفاده کنیم. به راستی آیا در چنین شـرایطی مقصر اصلی «کمبود آب» در حوضه آبخیز ارومیه بوده اسـت که بخواهیم اینک با طرح‌های انتقال آب از ارس یا زاب یا دریای خزر آن را جبران کنیم؟ و آیا تا زمانی که ندانیم، شـرط حکومت بر طبیعت، شناخت قوانین حاکم بر آن و طراحی توسعه بر بنیاد خواهش‌های بوم‌شناختی آن است، نباید نگران باشیم که سرنوشت ارومیه پس از انتقال آب بین حوضه‌ای هم مانند سرنوشت تلخ حوضه آبخیز زاینده‌رود و دیار سپاهان شود؟

همه حرفم این است که اگر برگ‌های توسعه را مبتنی بر سند آمایش سرزمین بر زمین زنیم، اگر چیدمان توسعه در هر استان را بر بنیاد مزیت‌های طبیعی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی‌اش تعیین کنیم، آنگاه بی‌شـک اندوخته‌های آبی ایران‌زمین با اندکـی تغییرات مکانی و زمانـی اجتناب‌ناپذیر می‌تواند نیازهای همه ایرانیان سـاکن در همه ۳۱ استان وطن را پاسخگو باشد و در آن صورت، کسی منتقد طرح‌های انتقال آب نیز نخواهد بود. اما راست این است که نیاز امروز ما کمبود آب شیرین نیست، بلکه هدررفت شگفت‌آور آن است؛ نیاز امروز ما این اسـت که بدانیم در کشوری که بر کمربند خشک جهان استقرار یافته، نباید و نمی‌توان با کوبیدن بر طبل کشـاورزی سنتی، کشـور را به خودکفایی و امنیت غذایی رساند؛ معضلی که البته با انتقال آب بین‌حوضه‌ای حل نخواهد شد! خواهد شد؟

به کلام فردوسی بزرگ برگردیم و بار دیگر تاکید کنیم که: سـیاه اندرون باشد و سنگدل/ که خواهد که موری شود تنگدل. باور کنید و کنیم که مخالفان طرح‌هـای انتقال آب بین‌حوضه‌ای، هرگز راضی به تنگدلـی هیچ زیسـتمندی در ایران‌زمین نبوده و نیستند بلکه این مخالفت را عین پایداری و تضمین زندگی باکیفیت ایرانیان می‌دانند و بس.

برزیل میزبان بزرگ‌ترین جشن روز جهانی محیط‌زیست

# سال اقتصاد سبز

**مژگان جمشـیدی:** کشـور برزیل امسال به دلیل میزبانی اجلاس زمین با عنوان «ریو +۲۰» بزرگ‌ترین جشـن روز جهانی محیط زیست را تدارک دید تا رکورد برگزاری بهترین جشن این روز را در ۴۰ سال اخیر از آن خود کند. شمارش معکوس برای روز جهانی محیط زیست (۵ ژوئن) در برزیل از یک هفته پیش از این روز آغاز شده بود. از مجلس سنای ملی این کشور گرفته تا تک‌تک مردم در خیابان‌های شهر ریودوژانیـرو چنـد روزی به اسـتقبال روز جهانی محیط زیسـت رفتند. به همین دلیل برنامه‌های ویژه‌ای از ابتدای ماه ژوئن در برزیل برگزار شـده است. افتتاح جشنواره ملی سبز در نخستین روز از این ماه در محل موزه تاریخ طبیعی در ریودوژانیرو یکی از این برنامه‌ها بود. این جشـنواره یک جشنواره آموزشـی زیست‌محیطی اسـت که برای ترویج زندگی پایدار و شیوه زندگی خوب سازگار با طبیعت طراحی شده و رسانه‌ها و نیز سینما از مهم‌ترین ارکان این جشنواره محسوب می‌شـوند. در روز دوم ژوئن نیز ازبرنامه «گذرنامه سـبز» پرده‌برداری شـد. هدف از این برنامه کاهش انتشار کربن در طول برگزاری اجلاس ریو+۲۰ است. گذرنامه سبز شهروندان را متعهد می‌کند تا در قبال هرگونه رفتار خود با زمین مسوولیت‌پذیر باشند. در واقع این برنامه همگان را به کاهش مصرف منابع و انرژی، احترام به فرهنگ‌های بومی و مسوولیت‌پذیری در قبال تولید آلاینده‌های زیست‌محیطی تشـویق می‌کند به همین منظور یونـپ با همکاری دولت برزیل یک نرم‌افزار جدید تلفن همراه هوشـمند را طراحی و تولید کرده که اطلاعات مربوط به ۴۰۰سـایت دوستدار محیط زیسـت و خدمات گردشـگری مفیـد را در اطراف ریودوژانیرو به میهمانان اجلاس ارایه می‌کند. یونپ همچنین یک دسـتورالعمل پایداری برای هتل‌های شـهر در طول برگزاری این اجلاس تدوین کرده است. روز گذشته نیز ۵۰ هزار درخت با همکاری یونپ و دوسـتداران محیط زیست در ریو کاشته شد تا اینچنین به استقبال روز جهانی محیط زیسـت بروند. اما در این روز در ریودوژانیرو برندگان جایزه قهرمانـان زمین از سراسـر جهان معرفی شـدند و به طور همزمان کاخ ریاست‌جمهوری برزیل به استقبال روز جهانی محیط زیست رفت. روسف دیلما رییس‌جمهور برزیل بسته جدیدی از برنامه‌ها و اقدامات این کشور را برای حفظ محیط زیست بازگشایی و معرفی کرد تا فصل نوینی از برنامه‌های حفظ محیط زیست در این کشور آغاز شود. مجلس سنای این کشـور نیز امروز برنامه ویژه‌ای برای روز جهانی محیط زیست داشت.

امـا همزمان با این برنامه‌ها در بسـیاری از کشـورها از جمله ایران برنامه‌هایی به مناسبت این روز نمادین قرار است برگزار شـود. در بلژیک به مدت پنـج روز در محل پارلمان اروپا در بروکسـل برای معرفی تنوع زیستی، نمایشگاهی از زنبورهای عسل به نمایش گذاشته خواهد شد. در سوییس جشـن ۴۰سالگی برنامه محیط زیست سازمان ملل برگزار می‌شود. در کنیا بزرگ‌ترین برنامه این کشور برای مدیریت مواد زاید به منظور دستیابی به اقتصاد سبز کلید می‌خورد.

در خاورمیانه و در عراق که سال‌ها کانون جنگ و خونریزی و اخیرا نیز محلی برای درگیری‌های قومی و تروریستی بوده به مناسبت این روز جشن‌هایی برگزار می‌شود و حتی بانکوک شهر سیل‌زده شرق آسیا نیز میزبان سمینار اقتصاد سبز با محوریت حفظ جنگل‌ها اسـت. بسیاری از کشورها نیز در تلاشند تا با دست پر در اجلاس ریو +۲۰ حاضر شوند.

**شعار روز جهانی محیط‌زیست**

شعار امسال روز جهانی محیط زیست اقتصاد سبز است. به همین دلیل محور اصلی مورد بحث در سـومین اجلاس زمین نیز روی موضوع اقتصاد سبز با تکیه بر توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقر متمرکز شده است. سازمان ملل با انتخاب این شـعار برای روز جهانی محیط زیسـت ۲۰۱۲، درصدد اسـت تا همه کشورهای جهان را برای گذار به دوره اقتصاد کم کربن، منابع کارآمد و اقتصاد سبز فراگیر تشویق کند. از این رو از الجزایر تا اوکلند در چهار گوشـه زمین نزدیک به هشت هزار فعالیت در این رابطه تاکنون در سایت یونپ به ثبت رسـیده است که قرار است به مناسبت این روز برگزار شـود. در همین حال برنامه محیط زیست سازمان ملل از همه فعالان محیط زیست در سراسر جهان دعوت کرده تا فعالیت‌های سبز خود را در این روز در سایت یونپ ثبت کنند.

**شعار امسال روز جهانی محیط زیست اقتصاد سبز است به همین دلیل محور اصلی مورد بحث در سومین اجلاس زمین نیز روی موضوع اقتصاد سبز با تکیه بر توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقر متمرکز شده است. سازمان ملل با انتخاب این شعار برای روز جهانی محیط زیست ۲۰۱۲، درصدد است تا همه کشورهای جهان را برای گذار به دوره اقتصاد کم کربن، منابع کارآمد و اقتصاد سبز فراگیر تشویق کند**

امـا بزرگ‌ترین برنامه سـازمان ملل به مناسـبت این روز بازگشایی پنجمین گزارش «چشم‌انداز جهانی محیط زیست» اسـت که روز ششم ژوئن منتشـر شـد. بـرای تهیه این گـزارش ۳۰۰ کارشـناس بـه مدت سه سـال تلاش کردند تا جامع‌ترین ارزیابـی محیط زیسـتی سـازمان ملـل را در هزاره سـوم میـلادی به اطـلاع جهانیان برسـانند. GEO5 وضعیت محیط زیست جهان را برای سـال‌های آتی و راه‌های دستیابی به پایداری بین‌المللی را تجزیه و تحلیل خواهد کرد. پیـش از این گزارش، دیگری با همین عنوان در سال ۲۰۰۷ منتشر شده بود که وضعیت محیط‌زیسـت جهان را به تصویر می‌کشید اما گزارش آتی نشـان می‌دهد که منابع زمین در طول پنج سـال گذشته تا چه اندازه تغییر کرده است. در چهارمین گزارش منتشره در سـال ۲۰۰۷، بخش آب، تغییر اقلیم و تنوع زیسـتی از پررنگ‌ترین بخش‌های این گزارش بود که هشدارهای جدی را به جهان می‌داد. اما بخـش ویژه‌ای هم برای چالش‌های زیست‌محیطی غرب آسیا به رشـته تحریر درآمده بود که مروری بر آن خالی از فایده نیست. سازمان ملل رشد سریع جمعیت، درگیری‌های نظامی و رشد لجام‌گسیخته توسعه را باعث بروز چالش‌های زیست‌محیطی در این منطقه عنوان کرده بود و در عین حال نسبت به بحران آب در غرب آسیا هشدار داده است.

بر اسـاس این گزارش بین سـال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ میلادی سرانه دسترسی به آب شیرین از ۱۷۰۰ متر مکعب در سال به ۹۰۷ متر مکعب کاهش یافته و پیش‌بینی شده که این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۴۲۰ متر مکعب در سال تنزل خواهد یافت. بحران در شبه‌جزیره عربستان بیشتر است چرا که حدود ۶۰ درصد منابع آب این کشـور از سفره‌های آب زیرزمینی تامین می‌شود که به طور چشمگیری کاهش یافته اسـت. در همین حال در همین مدت در غرب آسیا حدود ۸۰ درصد آب مصرفی به کشاورزی اختصاص یافته که رشد زیادی است.

از سوی دیگر حدود ۶۴ درصد از چهارمیلیون کیلومتر مربع زمین‌های غرب آسـیا را اراضی خشـک و مسـتعد به تخریب تشـکیل می‌دهند که رشـد جمعیـت در ۲۰ سال گذشته برای تامین غذا فشـار زیادی را بر این اراضی وارد کرده و بر وسـعت مناطق بیابانی افزوده اسـت. این در حالی اسـت که سـهم این منطقه از آسیا از جنگل تنها به اندازه ۱/۳۴ درصد از کل وسـعت این منطقه اسـت. یعنی جنگل‌های غرب آسیا کمتر از ۰/۱ درصد از کل جنگل‌های جهان را دربر می‌گیرد با این حال همین معدود عرصه‌های جنگلی هم رو به نابودی هستند. مناطق ساحلی نیز به دلیل توسعه شـهرها، فعالیت‌های نفتی و گسترش شیلات و صنایع ساحلی به شدت در حال تخریب هستند که بعد از بحران آب و بیابان‌زایی، بزرگ‌ترین چالش جدی در غرب آسیاست.

از سوی دیگر حدود ۲۳ درصد از نفت و ۸/۷ درصد از منابع گاز جهان در غرب آسیاسـت که استخراج این منابع برای صادرات و مصرف بی‌رویه آن در کشورهای منطقه باعث شده تا نرخ تولید گاز دی‌اکسیدکربن به ازای هر نفر از شش تن در سال ۱۹۹۰ به ۷/۲تن در سـال ۲۰۰۳ افزایش یابد که این امر به تشـدید روند گرمایش زمین کمک می‌کند. بر اساس گزارش چشـم‌انداز محیط زیست جهان در سال ۲۰۰۷، از سال ۱۹۵۰ تاکنون دمای زمین حدود ۰/۷ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته که بیشـترین میزان افزایش دما در بین پنج قاره به قاره آسـیا با افزایش بیش از یک درجه سانتیگراد مربوط می‌شود. این موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که به خاطر بیاوریم در غرب آسیا نه تنها اراضی، به شدت مستعد بیابانی شدن هستند بلکه با بحران منابع آب هم روبه‌رو هستند و این افزایش دما می‌تواند شرایط را برای سـاکنان خاورمیانه به مراتب بدتر از سـال‌های قبل کند و چشم‌انداز تاریکی را رقم بزند.

به همین دلیل اسـت که باید خشـک شدن تدریجی جنگل‌های بلوط ایران در غرب کشـور، نابودی بزرگ‌ترین دریاچه‌های داخلی ایران همچون دریاچه ارومیه و پریشان و بختگان و... و افت شـدید سـفره‌های آب زیرزمینی را در بیش از ۶۰۰ دشت کشور به مثابه یک فاجعه زیست‌محیطی برای کشـور در نظر گرفت که اگر به این همه رشد فزاینده بیابان‌زایی و کاهش منابع آبی در کشورهای همسایه را هم اضافه کنیم، می‌توان گفت قرن بیست و یکم قرن پرچالشی را بـرای خاورمیانه رقم خواهـد زد که مقابله با آن نیازمند تشریک مساعی بین کشورهای منطقه و نیز ارتباط موثرتر دولت‌ها با مردم است. اما عجیب است که حتی در سطح ملی نیز گاه هیچ تمهیداتی برای مقابله با این بحران‌ها اندیشیده نشـده یا اگر هم شده تنها به روی کاغذ ختم شده است و بس!

تنها مروری کوتاه بر کارنامه محیط زیست ایران در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که محیط زیست هنوز هم نتوانسته جای خود را در بیـن اولویت‌های برنامه‌ریزان و دولتمردان کشور پیدا کند اینقدر که از نظر شاخص‌های زیست‌محیطی هرساله افت قابل توجهی را نسبت به سال‌های قبل‌تر در سطح بین‌الملل شاهد هستیم. خشک شدن تدریجی رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور، تداوم مدیریت منابع آب بر پایه سدسازی‌های گسترده و انتقال آب بدون برنامه از یک حوضه به حوضه دیگر در چهارگوشه کشور، بی‌حرمتی به حریم امن پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده با صدور انواع کاربری‌ها در این مناطق، تخریب گسترده اراضی جنگلی و مرتعی برای ساخت مسکن و توسعه اراضی کشاورزی تنها نمود کوچکی از این سـناریوی تلخ است که نشان می‌دهد محیط زیست با وجود تمامی شـعارهایی که داده می‌شود هنوز هم هیچ جایگاهی در برنامه‌ریزی‌های کشور ندارد.

نکته اساسـی‌تر اینکه، در شـرایطی که در بسـیاری از کشـورها رویکرد مدیریت مشارکتی برای حفظ طبیعت و دعوت از مردم و گروه‌های زیست‌محیطی برای تسهیل در امر تصمیم‌سـازی در حوزه محیط زیست در جریان است در ایران شـاهد فروپاشـی گسـترده گروه‌های غیردولتی زیسـت‌محیطی و قطع رابطه بین ایـن گروه‌ها و دولت در حوزه محیط زیست بودیم. شکاف بین این دو حلقه به حدی زیاد اسـت که دو طرف به جـای تعامل با یکدیگر مدام در حال متهم کردن یکدیگرند! فیلترینگ برخی از معروف‌ترین وبلاگ‌های زیسـت‌محیطی کشـور در چند سال گذشته، تهدید به شکایت علیه فعالان محیط زیست و گاه معرفی این افراد به دادگاه، انفعال شدید در واحد مشارکت‌های مردمی و ارتباطات سازمان‌های متولی حفظ طبیعت، کنار گذاشتن منتقدان، کارشناسـان و حتی برخی خبرنگاران تخصصی محیط زیست از حلقه‌های تصمیم‌گیری و کارشناسی و نیز نشست‌های خبری تنها بخشی از رویکرد مخربی است که در این حوزه اتخاذ شده است و تاکنون در طول سه دهه گذشته سابقه نداشته است. از این رو روز جهانی محیط زیست برای فعالان غیردولتی محیط زیست تنها نماد زخم‌های عمیق به پیکره طبیعت ایران اسـت و عملا سوژه‌ای برای جشن گرفتن وجود ندارد. آن هم در شرایطی که ارومیه و پریشان و هامون و بختگان از بی‌آبی می‌سـوزند و ریزگردها بیش از نیمی از کشور را فرا گرفته و مجالی برای نفس کشیدن باقی نگذاشته‌است.

تجربه

## این نوآموز پرمدعا!

حمیدرضا میرزاده

■ «ادوارد ویلسـون» بوم‌شناس نامدار آمریکایی، در کتـاب «تنـوع حیـات[1]» می‌گویـد: «در هر سـانتی‌مترمکعب از خاک، هـزاران موجود زنده ذره‌بینی زندگی می‌کنند. سوال اینجاست که آنها چه نقشـی در زندگی ما دارند، پاسـخ ساده است: نمی‌دانیم! اما باید حفظ‌شان کنیم.»

واقعیـت آن اسـت کـه مـا بـا وجـود تمام پیشرفت‌های چشمگیر بشری و توانایی‌های علمی، هنوز از بسـیاری از زوایای پنهان جهان بی‌خبریم. حتی نیاز نیسـت کل جهان را مبنا قرار دهیم؛ ما هنـوز کره زمیـن و ویژگی‌های آن را به درسـتی نشناخته‌ایم

هنـوز نمی‌توانیم زلزله‌هـا را پیش‌بینی کنیم، در برابر وقایعی طبیعی چون آتشفشـان، سونامی، گردبـاد و... بی‌دفاعیـم و از همه سـاده‌تر و البته سرنوشت‌سازتر، ما کنترل چندانی بر «جان» خود نداریم! حتی نمی‌توانیم طـول عمر و زمان مرگ خود را پیش‌بینی کنیم.

توانسـته‌ایم بفهمیم که اندام‌هـای موجودات زنـده (از جمله خودمان) چگونـه کار می‌کنند و گردش مـواد حیاتی در بدن آنهـا به چه صورتی اسـت، اما هنوز نمی‌توانیم به طور مستقل و بدون نیـاز به الگویی زنده، آنها را شبیه‌سـازی کنیم. از کوچک‌ترین و اساسـی‌ترین واحد حیات (آن‌طور که ما دریافته‌ایم)، یعنی DNA و ژن‌ها باخبریم، ساختار آن را می‌دانیم و تا حدی نیز کارکردهای آن را می‌دانیم، اما قادر به ساخت آن نیستیم.

واقعیت ساده است، ما هنوز شاگرد کلاس اول در مدرسه «زمین» هستیم و راه درازی (که حتی انتهای آن را هم نمی‌دانیم) در پیش داریم. شاگردی کلاس اولی که تنها چند کلمه از هزاران (و احتمالا میلیون‌ها) را می‌داند و از متن پیچیده و سـنگین کتاب «جهان» جز چند کلمه‌ای، هیچ نمی‌داند. با همین چند کلمه اما نمی‌توان تفسیر کرد و به درک درست رسید.

ولی همین «کلاس اولی» مدعی است که تمام کتاب را خوانده و کاملا درک کرده و با توهم اِشرافی که بر کل کتاب دارد، خود را مالک و مدیر بی‌قید و شرط آن می‌داند.

او خـودش خبـر دارد که از زمـان حضورش تاکنون، حداقل ۳۰۰ خانـواده از جانوران دیگر را نابود کرده و برای مابقی نیز شرایط سختی را پدید آورده است.

او تقریبا هیچ منطقه بکری در کره زمین باقی نگذاشـته و بسیاری از مناطق را با وارد کردن مواد جدیـد و موجـودات بیگانه، تغییر داده اسـت. او هم‌اکنون دریافتـه که حتی در میانه اقیانوس‌ها و در قلب باقیمانده جنگل‌های انبوه و صعب‌العبور هم ردپایی از خود به جای گذاشـته و این ردپا را خود، «الودگی» نامگذاری کرده است.

آری! ما همان نوآموز پرمدعا هسـتیم که برای خود حق حیات قایلیم و در عین حال نشانه‌هایی را دریافت کرده‌ایم مبنی بر اینکه حیات ما، در گرو حیات دیگر همسایه‌هایمان است اما هنوز به یقین نرسـیده‌ایم. گویی باید هر چیز را به آزمون و خطا بگذاریم و اهمیت هر عنصر حیاتی را در فقدان آن دریابیم.

حتما باید دریاچه «آرال» در روسـیه خشـک می‌شـد تا تفـاوت بزرگ، بیـن بود و نبـود آن را درمی‌یافتیم. انگار باید جنگل‌های سومالی پاکتراشی می‌شد تا بفهمیم وجود آنها، ما را از قحطی نجات می‌دهد؛ و شاید حفره لایه ازون باید ایجاد می‌شد تا ما بدانیم، مواد انسان‌ساز عمدتا اثرات مخربی بر دنیای ما می‌گذارند[2]. انگار باید خانواده‌های بزرگی از جانوران منقرض می‌شـدند کـه به دلیل بر هم خوردن تعادل زیسـتی، آفـات و بیماری‌ها، غذا و حتـی جان خودمان را هدف قرار دهند و آن موقع اهمیت حضورشان را می‌یافتیم.

ما همچـون فردی که به اتاقی تاریک و پرراز و رمز وارد شده، بر در و دیوار دست می‌ساییم تا شاید آن را بشناسیم و مانند آن حکایت مشهور حضرت مولانا «فیل» را درون اتـاق تاریک، تنها آن اندازه شناخته‌ایم که لمس کرده‌ایم. نگرانی آنجاست که با همین شـناخت کم، خود را مدیر و صاحب آن می‌دانیم!

باید محتاط باشیم! جهان ما حاصل کنش‌ها و واکنش‌های طولانی‌مدتی است که آن را شکل داده و به شـکل امروزی آن درآورده و ما تنها ذره‌ای از آنها را دریافته‌ایم و نمی‌توانیم آنها را نیز تکرار کنیم. حضور ما در کره زمین تنها یکی از میلیاردها اتفاق این کره اسـت که روزی به وقوع پیوسته و آن‌طور که دریافته‌ایم، روزی باید این صحنه را ترک کنیم. آنچه می‌ماند، همین کره خاکی اسـت که شرایط سخت‌تر از حضور انسان را هم از سر گذرانده و هنوز پا برجاست. ما باید به فکر خود و مطمئن باشیم که این، دیگر همسایه‌های ما در کره خاکی هستند که ما را حفظ خواهند کرد. ما با تمام توانایی‌هایمان نیز از پس خودمان برنمی‌آییم!

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- ترجمه «عبدالحسین وهاب‌زاده» -انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد

۲- در دهـه ۱۹۸۰ تحقیقات نشـان داد که گازهـای کلوروفلوئور کربن با نام اختصاری CFC که یـک گاز صنعتی مـورد اسـتفاده در صنایع اسپری‌سـازی است، عامل اصلی از بین رفتن لایه ازون است.

## تصمیم دولت در اعطای مدیریت آب به چهارمحال و بختیاری موجب شد

# اصفهان در تنگنا

سمیه آخشی

ایـن روزها در اصفهان اوضاع عادی نیسـت. هر روز مردم نگران از کمبود آب، در روزهای باقیمانده تا تابستان هر چقدر گوش تیز می‌کنند تا مسوولان خبرهای خوش بدهنـد انگار خبری از این حرف‌ها نیسـت. یک روز از تجمع کشاورزان شرق اصفهان می‌شنوند و اینکه اینقدر بی‌جواب مانده‌اند، مقابل استانداری اصفهان چادر می‌زنند و بسـت می‌نشینند تا مسوولان پاسخ‌شـان را بدهند. اعتراض دارند که برای کشت پاییزه‌شان می‌خواهند آب را ببندند و باز هم برای چندمین بار محصول‌شان به بار نمی‌نشیند و این یعنی ادامه بیکاری، خسارت و خسارت.

**گوشی فریادهای اصفهان را نشنید**

از آن سو مسـوولان هم دل‌شان به درد آمده از این همه انتقاد این کشاورزان و اینکه نمی‌توانند کاری بکنند. می‌گویند امسـال ذخایر برف پشت سـد زاینده رود به حداقل میزان خود در ۴۱ سـال گذشته رسیده و واقعا دیگر آبی نیسـت. به گفته حیدرپـور معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان امسال ۴۰ تـا ۵۰ درصد آب ورودی به سـد زاینده‌رود کاهش یافته و حجم آب پشت سد زاینده‌رود از ۸۴۰ میلیون متر مکعب فراتر نخواهد رفت. امسال دیگر دغدغه مسوولان استانی از تامین آب کشـاورزان هم فراتر رفته و زمزمه جیره‌بندی آب شـرب چهار میلیون اصفهانی به گوش می‌رسد. مسوولان استانی تا خرداد سعی کردند بیشتر وعده‌های خوب بدهند. اسـتاندار اصفهان و مسـوولان قرارگاه آب تا همین هفته‌های گذشته مرتب می‌گفتند فعلا قصد بسـتن آب را نداریم. حتی در مقابل افرادی هم که اظهارنظر کرده بودند احتمالا تابسـتان امسـال هم جیره‌بندی آب داریم و هم آب تا نوروز سـال آینده برای کشـور در نظر گرفت که اگر به این همه رشد فزاینده بیابان‌زایی و کاهش منابع آبی در کشورهای همسایه را هم اضافه کنیم، می‌توان گفت قرن بیست و یکم قرن پرچالشی را بـرای خاورمیانه رقم خواهـد زد که مقابله با آن نیازمند تشریک مساعی بین کشورهای منطقه و نیز ارتباط موثرتر دولت‌ها با مردم است. اما عجیب است که حتی در سطح ملی نیز گاه هیچ تمهیداتی برای مقابله با این بحران‌ها اندیشیده نشـده یا اگر هم شده تنها به روی کاغذ ختم شده است و بس!

تنها مروری کوتاه بر کارنامه محیط زیست ایران در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که محیط زیست هنوز هم نتوانسته جای خود را در بیـن اولویت‌های برنامه‌ریزان و دولتمردان کشور پیدا کند اینقدر که از نظر شاخص‌های زیست‌محیطی هرساله افت قابل توجهی را نسبت به سال‌های قبل‌تر در سطح بین‌الملل شاهد هستیم. خشک شدن تدریجی رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور، تداوم مدیریت منابع آب بر پایه سدسازی‌های گسترده و انتقال آب بدون برنامه از یک حوضه به حوضه دیگر در چهارگوشه کشور، بی‌حرمتی به حریم امن پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده با صدور انواع کاربری‌ها در این مناطق، تخریب گسترده اراضی جنگلی و مرتعی برای ساخت مسکن و توسعه اراضی کشاورزی تنها نمود کوچکی از این سـناریوی تلخ است که نشان می‌دهد محیط زیست با وجود تمامی شـعارهایی که داده می‌شود هنوز هم هیچ جایگاهی در برنامه‌ریزی‌های کشور ندارد.

نکته اساسـی‌تر اینکه، در شـرایطی که در بسـیاری از کشـورها رویکرد مدیریت مشارکتی برای حفظ طبیعت و دعوت از مردم و گروه‌های زیست‌محیطی برای تسهیل در امر تصمیم‌سـازی در حوزه محیط زیست در جریان است در ایران شـاهد فروپاشـی گسـترده گروه‌های غیردولتی زیسـت‌محیطی و قطع رابطه بین ایـن گروه‌ها و دولت در حوزه محیط زیست بودیم. شکاف بین این دو حلقه به حدی زیاد اسـت که دو طرف به جـای تعامل با یکدیگر مدام در حال متهم کردن یکدیگرند! فیلترینگ برخی از معروف‌ترین وبلاگ‌های زیسـت‌محیطی کشـور در چند سال گذشته، تهدید به شکایت علیه فعالان محیط زیست و گاه معرفی این افراد به دادگاه، انفعال شدید در واحد مشارکت‌های مردمی و ارتباطات سازمان‌های متولی حفظ طبیعت، کنار گذاشتن منتقدان، کارشناسـان و حتی برخی خبرنگاران تخصصی محیط زیست از حلقه‌های تصمیم‌گیری و کارشناسی و نیز نشست‌های خبری تنها بخشی از رویکرد مخربی است که در این حوزه اتخاذ شده است و تاکنون در طول سه دهه گذشته سابقه نداشته است. از این رو روز جهانی محیط زیست برای فعالان غیردولتی محیط زیست تنها نماد زخم‌های عمیق به پیکره طبیعت ایران اسـت و عملا سوژه‌ای برای جشن گرفتن وجود ندارد. آن هم در شرایطی که ارومیه و پریشان و هامون و بختگان از بی‌آبی می‌سـوزند و ریزگردها بیش از نیمی از کشور را فرا گرفته و مجالی برای نفس کشیدن باقی نگذاشته‌است.

در این جریـان کوتاه بیایند، حق مردم اصفهان پایمال می‌شود. البته این گفته چندان هم بی‌راه نیست چرا که مسوولان این استان در سال‌های قبلی نیز پا را از قانون فراتر گذاشـته‌اند و حتی خط مرزی زاینده‌رود را تغییر دادنـد. به گفته محمدرضایی براسـاس قانون مدیریت تونل‌هـای ۱، ۲ و ۳ کوهرنـگ از همان ابتدا در حوضه اسـتان اصفهان قرار داشته و مدیریت خود این تونل‌ها و نیروگاه‌های آن نیز باید در اختیار استان اصفهان قرار گیـرد. حالا هم اگر اکنون به دنبال نیـروگاه تونل دوم کوهرنگ اسـت حتما در آینده می‌خواهد خود اختیار تونل را به دست بگیرد. وی تاکید دارد که معلوم نیست تصمیم‌گیری وزیر نیرو برای واگذاری تونل دوم کوهرنگ به استان چهارمحال و بختیاری روی چه حسابی بوده و اینکه با این موضوع مهم ، یا سـلیقه‌ای برخورد کرده یا تحت فشـار مسـوولان و نمایندگان چهار محال و بختیاری‌است.

عباس حاج‌رسـولی‌ها رییس شـورای اسـلامی شـهر اصفهان چنین اقدامی را غیرقابل دفاع می‌داند چـرا که واگـذاری نیـروگاه تونـل دوم کوهرنگ به چهارمحال و بختیاری مغایر با اصل ۴۴ و سیاست‌های خصوصی‌سـازی اسـت و بر اسـاس ایـن اصل باید نیروگاه‌هـا به بخش خصوصی واگذار شـود نه بخش دولتی!

به گفته محمد مهدی اسـماعیلی معاون سیاسی امنیتی استاندار اصفهان نیز این اقدام مصوبه سفر سوم رییس‌جمهور به چهارمحال و بختیاری را دارد اما در اصل بحث به صورت تاریخی در اختیار آب منطقه‌ای استان اصفهان بوده است که باید این موضوع را مساله ملی تلقی کرد. وی می‌گویـد: واگذاری مدیریت این نیروگاه در عمل، مشـکل کم آبـی در چهار محال و بختیـاری را حـل نمی‌کند و به اخلال در سیسـتم مدیریتی و تصمیم‌گیری در حوضه آب دامن می‌زند. همچنین هرگونه تغییر در خط مرزی اصفهان و چهار محال و بختیاری ملغی است و در این خصوص باید از معاونت سیاسی وزارت کشور پیگیری شود.

**اصفهانی‌ها منتظر رییس‌جمهور می‌مانند**

حـالا کانون خبرگان کشـاورزی اسـتان منتظر اقدامات مسوولان نمانده و مکاتبات خود را با نمایندگان مجلس آغاز کرده تا بیش از این حق کشاورزان پایمال نشود. ولی با این اوضاع باید دید که چه کسی حافظ منافـع مردم اصفهان خواهد بود تا آنهـا را از آبی که سال‌هاسـت جزیی از حقوق خود حسابش می‌کنند، حمایت کند. به هر حال سـفر چهارم هیات دولت به اصفهان نزدیک اسـت و مسـلما یکی از پرسش‌های اصلی مـردم از رئیس‌جمهور، علـت این تصمیمات یک‌جانبه خواهد بود. نخستین تونل کوهرنگ در سال ۱۳۳۲ بهره‌برداری شـد. در سال ۱۳۶۴ تونل دوم به بهره‌برداری رسـید و در سال ۱۳۷۷ عملیات ساخت سومین تونل کوهرنگ آغاز شد که تاکنون ادامه دارد.